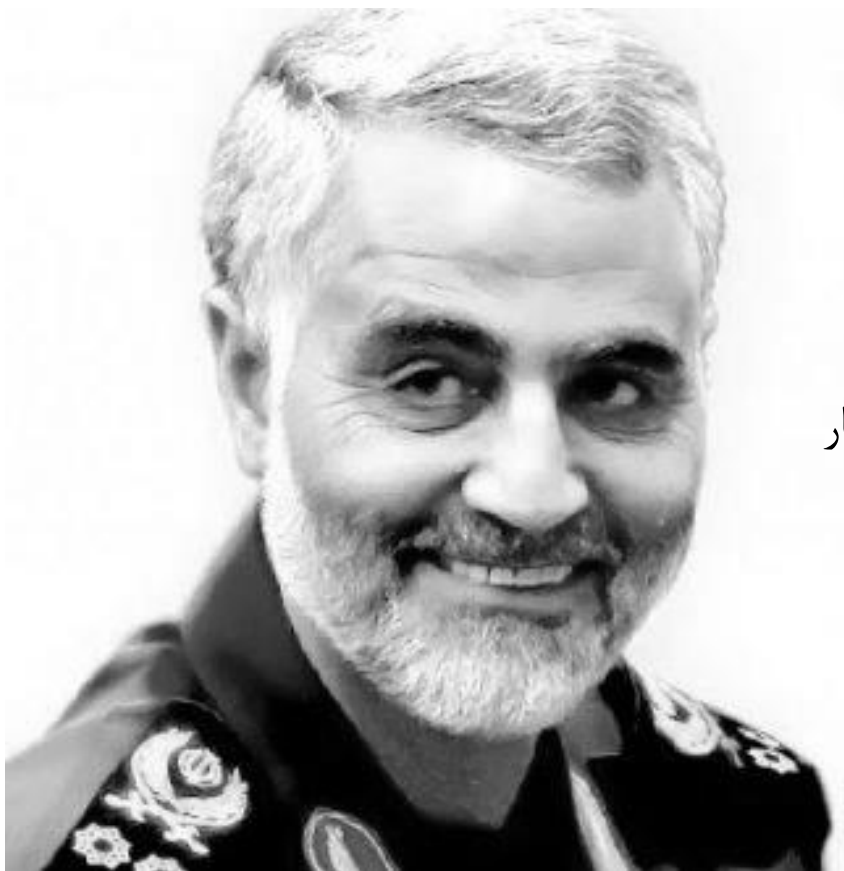


# داستان مرد شجاع

**تقدیم به روح بلند شهید والامقام سپهد حاج قاسم سلیمانی**

تکثیر و انتشار این اثر برای تمامی امت حزب الله و عاشقان شهید عزیز آزاد است.



نویسنده: نغمه رحیمی پور

تصویرگر: اکرم سادات میرتوانا

کاری از نهضت مردمی تربیت ماندگار



به نام خدا

در کنار یک حرم زیبا، دشت سرسبزی بود.

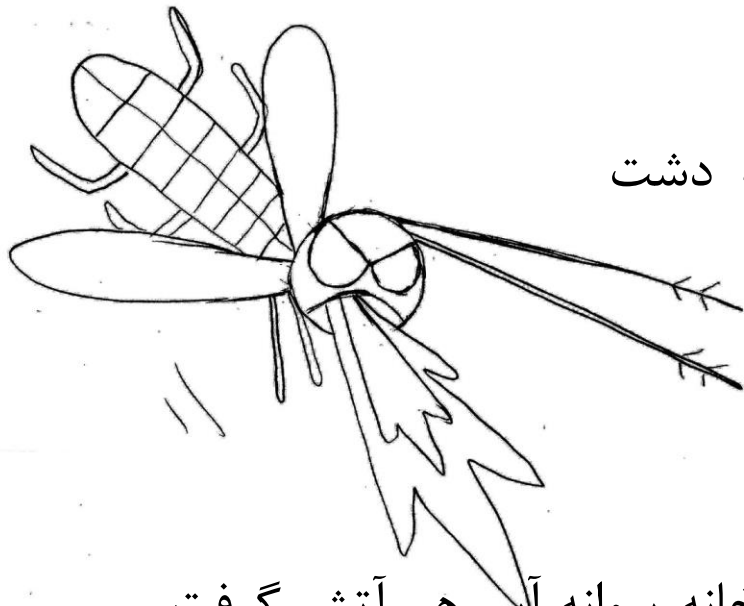
پروانه آبی و دوستانش

در این دشت زندگی می کردند.



یک روز سوسک های سیاه به دشت  
حمله کردند.

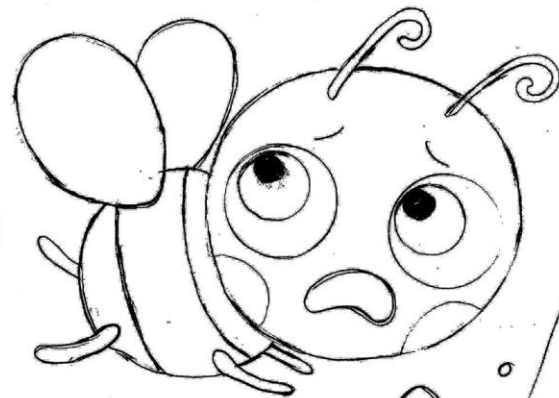
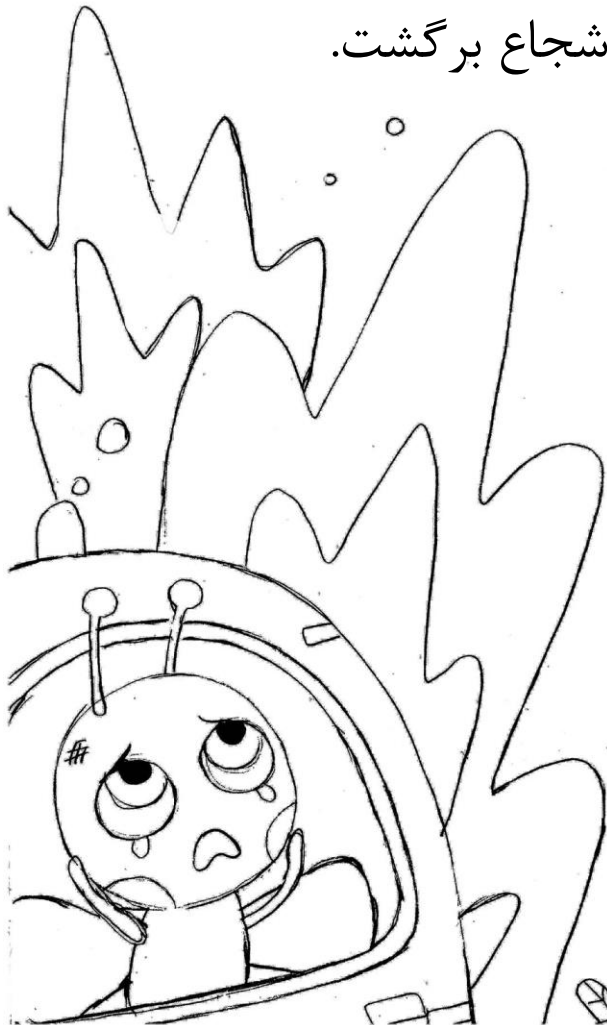
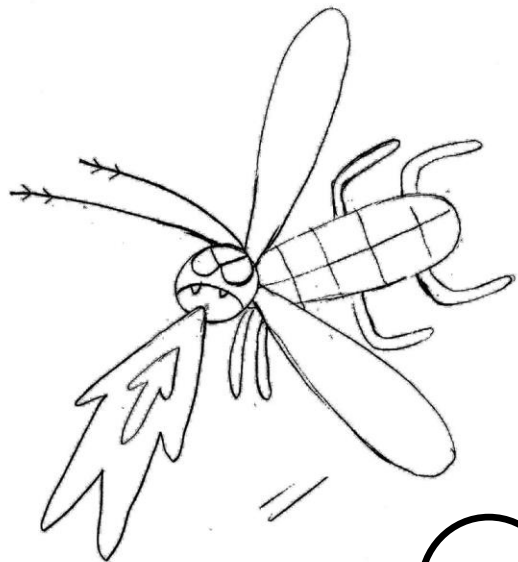
آنها همه جا را آتش زدند.



خانه پروانه آبی هم آتش گرفت.

زنبور طلایی گفت: من می روم کمک  
بیاورم.

او با مرد شجاع برگشت.

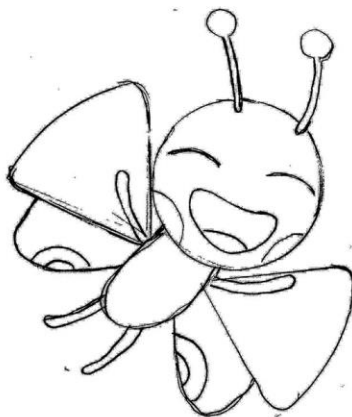




مرد شجاع لباس سبز پوشیده  
بود و روی سینه اش عکس آقا  
بود.

او آتش را خاموش کرد و پروانه  
آبی را نجات داد. سوسک ها از  
مرد شجاع ترسیدند و فرار  
کردند.

۳



پروانه کوچولو روی شانه مرد شجاع نشست  
تا از او تشکر کند.

مرد به او گفت: برایم دعا کن تا زودتر پیش  
امام حسین علیه السلام و دوستان شهیدم بروم.  
پروانه کوچولو برای او دعا کرد.

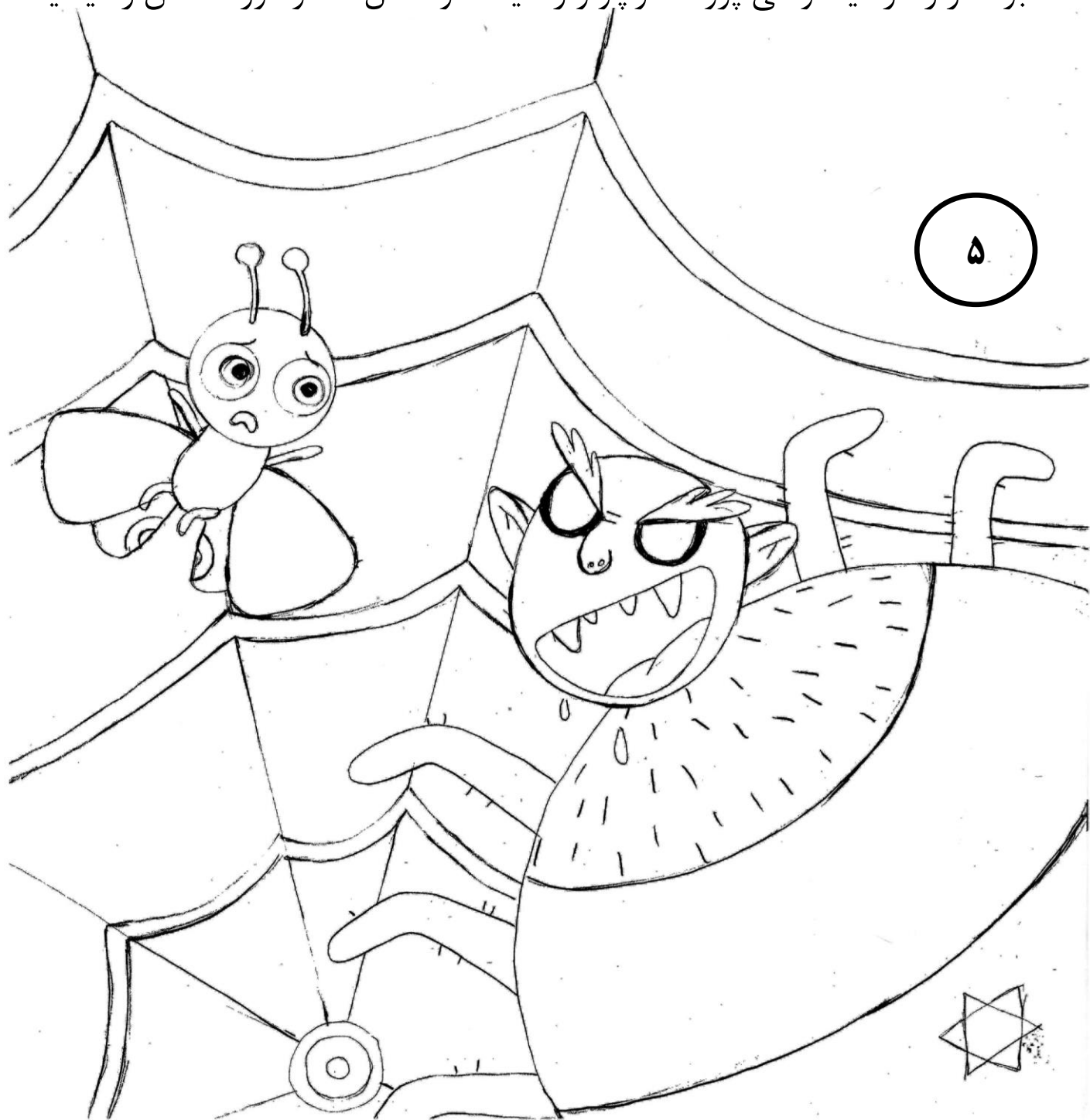


مدتی گذشت. یک روز پروانه آبی برای بازی به دشت رفته بود که در تار عنکبوت گیر کرد. هر کاری کرد نتوانست بیرون بیاید.

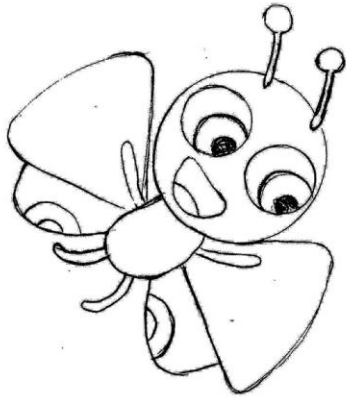
زنبور طلایی گفت: مرد شجاع کجاست؟ او می تواند پروانه کوچولو را نجات بدهد.

زنبور طلایی رفت تا مرد شجاع را خبر کند ولی هر چه گشت او را پیدا نکرد.

عنکبوت از راه رسید. وقتی پروانه کوچولو را دید، خوشحال شد و دور دهانش را لیسید.



در همین موقع پسر کوچکی از راه رسید. پسرک لباس سبز پوشیده بود. پسر کوچک تار عنکبوت را پاره کرد و پروانه کوچولو را نجات داد. روانه کوچولو روی شانه پسرک نشست. چشمش به عکس آقا روی لباس پسرک افتاد. پروانه کوچولو از او پرسید: تو مرد شجاع را می شناسی؟ پسرک گفت: بله. من دوست او هستم. پروانه گفت: خودش کجاست؟ پسرک گفت: او به آرزویش رسید و پیش امام حسین علیه السلام و دوستان شهیدش رفت.



پروانه گفت: من او را دوست داشتم. دلم برایش تنگ می شود. پسرک گفت: همه او را دوست داشتند. حالا من باید بروم تا کار او را تمام کنم. پروانه پرسید: مرد شجاع می خواست چه کاری کند؟ پسرک گفت: او می خواست دنیا را از دست تمام سوسک های سیاه و عنکبوت ها نجات بدهد.

پروانه کوچولو از روی شانه پسرک بلند شد و در آسمان چرخ زد. دشت پر از بچه هایی بود که لباس سبز پوشیده بودند.

